

## گرانی و بی کاری و راه حل آن

بالا رفتن قیمت اجناس، بیکاری، تورم در یکسال گذشته به نسبت سالهای قبل سیر صعودی سرسام آوری دارد و نتیجه منطقی این مسئله تحمیل فقر و بیکاری و حشمتناکی بر کارگران و زحمتکشان است. درنگاهی به اخبار سایتها، رادیو و تلویزیون اهمیت موضوع آن را در صدر رویدادها قرار داده است. وقتی که به میزان قیمت اجناس و بیکاری نگاه میکنید نرخ رشد آن به 3 تا 4 برابر رسیده است تا جایی که حتی میدیا و سایتها و وابسته به رژیم را و اداریه عکس العمل کرده است. ص ۲

## اخبار بزرگداشت هفته منصور حکمت در شهرهای کردستان

ص ۳

### موقعیت امروز و آینده کومه له

#### پوپولیسیم و ناسیونالیسم "چپ" کجا ایستاده است

(مصاحبه با رحمان حسین زاده - بخش اول)

اکتبر: اخیرا به همراه فاتح شیخ سمیناری را تحت عنوان "موقعیت امروز و آینده کومه له- بررسی موقعیت پوپولیسیم و ناسیونالیسم چپ در کردستان" برگزار کردید. ضرورت برگزاری این سمینار چه بود؟ و به چه موضوعاتی پرداختید؟ ص ۴

رضا دانش

### بهرام رحمانی و داستان حفره های آذرنی در کومه له

بدنبال انتشار بدون امضا مطلبی تحت عنوان "وضعیت فعلی و گام های ضروری (نکاتی در مورد جنبش دانشجویی و چپ) در وبلاگ تریبون مارکسیسم که با بیزاری و محکومیت گسترده همراه بود، این اقدام بعنوان همسویی با وزارت اطلاعات از جانب نیروها و احزاب سیاسی ارزیابی شد و در پی انتساب درست این پاپوش دوزی و توطئه چینی پلیسی به طیف آذرنی و حمایت آشکار کومه له از درج این مطلب در سایت حزبی گرفته تدارک اختیار قراردادن سرور اختصاصیش به گردانندگان و بلاگ مزبور همه و همه نشان از همراهی اعلام نشده کومه له با گروه ایرج آذرنی و رضا مقدم حداقل در این مورد خاص داشت. ص ۶

هیوا ناصری

### اسلام سیاسی و خشونت

بدون قلم فرسایی بیهوده، این تبیین در بین گروههای مترقی دخالتر در کردستان وجود دارد که اسلام سیاسی با توجه به نحوه قدرت گیری اش در سه دهه گذشته، تنها از روی حقه بازی، میل به پنهان کاری، دروغ و تزویر، دستبرد به محل کار و زندگی مخالفان، توسعه شبکه های تلفنی مخصوص جهت استماع مکالمات و جاسوسی افراد به وسیله دستگاههای الکترونیکی (آنچنانکه در غرب امروز مرسوم است) ص ۷

### یادداشت سردبیر

در حالی که تعرض رژیم به معیشت کارگران و زحمتکشان در جامعه ابعاد وسیعتری به خود گرفته است و فقر، گرانی و بیکاری در میان اقشار تهیدست و محروم جامعه بیداد میکند. ماهروزه شاهد یورش بیشتر جمهوری اسلامی و مزدوران آن به آزادی خواهان و برابری طلبانی هستیم که تنها بخاطر دفاع از انسانیت و حرمت انسانی روانه بازداشتگاهها و زندانهای قرون وسطایی رژیم شده و زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار میگیرند.

علیرغم این که مبارزات مردم آزادیخواه و برابری طلب در داخل و خارج ایران توانست تعداد زیادی از زندانیان سیاسی را از زندانهای جنایتکاران جمهوری اسلامی برهاند ولی کماکان فرهاد حاج میرزایی، فرزاد کمانگر، روناک صفارزاده، هانا عبدی و عدنان حسن پور، هیوا بوتیمارو... هنوز در زندان هستند و به همراه عده بسیار بیشتری از فعالین اجتماعی و سیاسی که به قید وثیقه آزاد شده اند در انتظار سرنوشتی هستند که، جانین حاکم رقم زده یا خواهند زد.

اما با وجود تمام فشارها، تهدیدات و دستگیریهای وسیعی که توسط نیروهای امنیتی رژیم صورت میگیرد شاهد اعتراضات توده های وسیع کارگران و زحمتکشانی هستیم که برای آزادی و برابری، عدالت و رفاه، نارضایتی خود را با شیوه های متفاوت ابراز میکنند، از اعتصابات کارگری در بخشهای مختلف گرفته تا تحصن دانشجویان در دانشگاهها تا فراری دادن شاهرودی رییس قوه قضاییه توسط مردم آزادیخواه سنندج همه و همه حکایت از وجود نارضایتی عمیق از وضعیت موجود است اما نکته مهمی که در این میان به چشم میخورد، ناهماهنگی و پراکندگی اعتراضات مردمی است که از عدم وجود هژمونی رادیکال و سوسیالیستی در جنبشهای اجتماعی نشأت میگیرد. ص ۸

## گرانی و بیکاری و راه حل آن رحمت فاتحی

... برای نمونه سایت حکومتی تابناک مینویسد "کمیابی اقلام مصرفی در برخی استانها باعث پریشانی بسیاری از هموطنان شده و مردم در آذربایجان شرقی یک کیلو قند را به مبلغ 2000 تومان تهیه میکنند" خبرگزاری فارس اعلام کرد در کرمانشاه در پی رواج شایعه گرانی چایی، قند و شکر صفهای طولانی در فروشگاههای مختلف استان کرمانشاه تشکیل و برای خرید آن به مغازه ها هجوم آورده و متعاقب آن فروشندگان از عرضه کالاها خودداری کرده اند. فروشگاهها قیمت این اجناس را تا 400 درصد افزایش داده اند چایی در صد افزایش 25000 تا 30000، و هر کیلو قند از 700 تومان به 2000 تومان رسیده است. خبرگزاری مهر از تبریز گزارش داده است در پی شایعات افزایش قیمتها قند و شکر و بعضی محصولات دیگر در سطح تبریز جمع آوری شده و فروشندگان از فروش آن خودداری میکنند.

در مورد تایید، برنج و یخس زیادی از مایحتاج مردم نیز وضعیت به همین منوال است به این وضع باید جیره بندی آب، قطع مداوم برق و افزایش اجاره مسکن راهم اضافه کنید و از طرف دیگر بالارفتن بیکارسازی در کارخانه ها و کارگاهها مزید بر علت شده است برای مثال در حال حاضر هزاران کارگر کارخانه نیشکر هفت تپه، کارخانه لاستیک البرز، شرکت ریسندگی خاوررشت و دهها کارخانه و کارگاه دیگر در حال

اعتراض و مباحثه با خرابی بیکارسازی و عدم پرداخت حقوق معوقه و تعطیل کارخانه با کارفرماهایشان و جمهوری اسلامی هستند، میشود تصور کرد اقشار کم درآمد و کارگران در چه وضعیت نابسامانی هستند.

### علت گرانی چیست؟

تا آنجا که به سرمایه داران مربوط میشود عامل گرانی را به اوضاع بین المللی و بحرانهای سرمایه داری ربط میدهند در حالی که خود بانیان فقر و فلاکت در همه جوامع از جمله ایران هستند جمهوری اسلامی به مثابه دولت حامی سرمایه برای مردم شانه بالا می اندازد و هر کدام از مهره های آن به نوعی وانمود میکنند که نقشی در ایجاد این فقر و فلاکت و بیکارسازی ندارند، احمدی نژاد علت گرانی و تورم را به همپالکیش امام زمان ربط میدهد و میگوید خواست امام زمان است. آخوندهای مفتخور و جانی در داخل و خارج حکومت بعضا " آن را به عدم مدیریت و کنترل دولت بر قیمت اجناس ربط میدهند. و حتی بعضی از این لاشخورها به مردم حمله میکنند و میگویند مردم توقعشان بالا رفته است و بعضی دیگر آن را به محاصره اقتصادی امریکا و خشکسالی ربط میدهند. تمام عوامل مربوط به گرانی که در بالا به آن اشاره شد از زاویه سرمایه دار و طرفداران سیستم سرمایه داری واقعی است ولی هیچ کدام از این عوامل ربطی به کارگر که نیروی کار خود را میفروشد تا زندگی روزانه اش را تامین کند ربطی ندارد.

برای نمونه اگر وارد کردن شکر از برزیل که با قیمت ارز آنتروبو

استثمار بیشتر کارگر برزیلی وارد میشود کارگر برزیلی همان اندازه از استثمار و گرانی رنج میبرد که کارگر نیشکر هفت تپه. در این شکی نیست که محاصره اقتصادی امریکا یکی از این عوامل تحمیل فقر و فلاکت به کارگر و زحمتکش است بخاطر همین هم کارگران و زحمتکششان به جنگ و دعوی سرمایه دارانه امریکا و ایران اعتراض و اعلام کردند، جنگ سرمایه داران ربطی به منافع آنها ندارد و قربانیان واقعی جنگ خود مردم هستند. خشکسالی هم میتواند عامل دیگر گرانی باشد ولی جامعه ای که بر روی دریایی از نفت و میلیاردها دلار حاصل از فروش آن خوابیده است در صورتی که درآمدها در خدمت رفاه و آسایش مردم باشد خیلی سریع و راحت میشود این مشکل را حل کرد. عاملین اصلی گرانی و تورم در جامعه سرمایه داران و رژیم جمهوری اسلامی است.

### قربانی واقعی گرانی کیست؟

عامل گرانی و فقر و فلاکت با توجه به فاکتورهایی که در بالا بدان اشاره شد سرمایه داران و جمهوری اسلامی حامی آنها میباشد و در اصل خود این انگلهای جامعه هستند که با استثمار روزانه کارگران و با احتکار اجناس، قیمتهای آن را چند برابر میکنند و از این راه سود کلانی به جیب میزنند در همین رابطه محترکین اموال و اجناس مورد نیاز مردم طبعاً برای سود هر چه بیشتر شگردهای خاص خود را دارند. جمهوری اسلامی هم که خود بخشی از این پروژه است هر کجا که توده های کارگر و کم درآمد جامعه به گرانی و فقر و احتکار اعتراض کرده اند نیروهای سرکوبگرش در صحنه

حاضر میشوند و به روی مردم معترض شلیک و آنها را دستگیر میکنند. رژیم جمهوری اسلامی دولت جوابگو به نیازهای مردم نیست بلکه با سازمان دادن صدها هزار نفر در سازمانهای نظامی و امنیتی سرکوبگرش هر ندا و اعتراضی را برای رفاه و امنیت درجا سرکوب میکند.

اگر کالا و اجناس روزانه 3 تا 4 برابر گرانتر میشود در عوض نیروی کار کارگر به عنوان کالا نه تنها قیمتش بالا نمیرود بلکه سرمایه داران مفتخور و جمهوری اسلامی حامیشان نرخ آن را پایین می آورند. کارگر را بیکار میکنند و دستمزدها را به موقع پرداخت نمیکند از غرامت و بیمه بیکاری خبری نیست و در یک جمله با حمله به معیشت کارگران از راههای مختلف ارزش نیروی کار کارگران و زحمتکششان را در نازلترین سطح خود نگه میدارند. در نتیجه علیرغم این که تمام ثروت و سامان این جامعه محصول کار کارگران و زحمتکششان است اما خود قربانیان واقعی گرانی و فقر هستند.

### راه حل چیست؟

واقعیت این است تا جمهوری اسلامی حکومت میکند فقر و ناداری، گرانی هر روزه زندگی کارگر و زحمتکش را تهدید میکند. پیش شرط پایان دان به فلاکت مردم سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی است. تا وقتی که ثروت و دارایی جامعه که توسط خود کارگران تولید میشود و حاصل دسترنج آنها به جیب سرمایه داران میرود،

سروش کارگرو مردم فقیر همین خواهد بود. کارگرو حمتکش هیچ راهی ندارد به غیر از این که با مبارزه متحدانه خود قدم به قدم جانان اسلامی و سرمایه داران را عقب براند و ملزومات سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم نماید. رهبران کارگری و فعالین کمونیست و کل طبقه کارگر باید در مقابل این تعرض ایستادگی کنند. طبقه کارگر باید بداند که رهایی مردم از فقر و فلاکت و داشتن زندگی انسانی تنها در گرو اعتراض یکپارچه آنها و عقب راندن سرمایه داران در حمله به معیشت آنهاست. مبارزه برای افزایش دستمزد، بیمه بیکاری، برگزاری مجامع عمومی کارگری و ایجاد اتحادیه کارگری علیه بیکاری باید در دستور فوری فعالین کارگری و کمونیستها قرار بگیرد. برای پایان دادن به احتکار اجناس و کنترل قیمتها سریعاً باید کمیته های مصادره اموال احتکار شده در محلات را سازمان دهند و پس از مصادره کردن انبارهای محتکران بطور عادلانه در بین کارگران و زحمتکشان و مردم نیازمند تقسیم نمایند و از این راه مردم را حول این خواست عادلانه متحد کنند. سازمان دادن مردم و شکل دادن به کمیته های مصادره

**در بزرگداشت هفته منصور حکمت فعالین حزب حکمتیست در شهرهای مختلف کردستان و در سطح وسیعی اقدام به پخش پوستر منصور حکمت کردند و در موردی با تجمع و سخنرانی یاد حکمت را گرامی داشتند که گزیده ای از آن رابه نقل از مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست می آوریم:**

#### ● فعالیت بنماسب هفته منصور حکمت در مریوان

فعالتهای سازمان یافته کمیته کردستان حزب حکمتیست در هفته منصور حکمت در مریوان ادامه یافت. در این هفته فعالتهای متنوعی از طرف دوستداران منصور حکمت پیش رفت. هزاران پوستر، سی دی های سخنرانی، تراکت گفته های این رهبر بزرگ مارکسیست و کمونیست کارگری، و تجمع های مختلف همراه با سخنرانی در جمع و محافل مختلف برای شناساندن او در جریان بوده است. در ادامه این فعالیت ها در 20 خرداد 87 در شهر مریوان و در محلات تازه آباد، دارسیران قدیم و محله بلچه سوری، سی دی سخنرانی هایی از منصور حکمت، پوستر و تراکت "اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است" توزیع شد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست، دست تک تک رفقای تشکیلات شهر و سازمانده و دوستداران منصور حکمت را به خاطر همه این فعالیت ها میفشارد و برای همه آرزوی موفقیت و تلاش بیوقفه در همه عرصه های مبارزه کمونیستی و کارگری میکند. ۲۱ خرداد ۱۳۸۷

#### ● دوستداران منصور حکمت در کامیاران بزرگداشت وی را برگزار کردند

16 خرداد 87 ده ها نفر از دوستداران منصور حکمت در کامیاران با تجمع و سخنرانی و بحث آزاد یاد حکمت را گرامی داشتند. چند نفر در این تجمع در مورد منصور حکمت و نقش او در کمونیسم معاصر در ایران، مشخصه های جنبش کمونیسم کارگری، جنبش شورایی و ... سخنرانی کردند. این گرد همایی به این ترتیب چند ساعت ادامه داشت.

#### ● پخش پوستر های منصور حکمت در سنندج

در ادامه فعالیت تبلیغی در شهرهای کردستان و در یاد بود منصور حکمت، در تاریخ 7 خرداد 87، شب هنگام در چند محله شهر سنندج پوستر های منصور حکمت پخش شد. محلات جوراباد، نظام آباد، کمیز و حاجی آباد شاهد پخش صد ها پوستر منصور حکمت بود. همچنین در روزهای گذشته و در تاریخ 4 و 5 خرداد پوستر های منصور حکمت در شهرهای بانه و کامیاران، در چندین محله این شهرها هم پخش شدند.

#### ● پخش پوستر های منصور حکمت در شهر کامیاران

یکشنبه شب 5 خرداد ماه 87 پوستر های هفته منصور حکمت بوسیله فعالین حزب حکمتیست بطور وسیعی و در صدها نسخه در محله های شهر کامیاران از جمله ششم بهمن، شهرک بعثت، محله بیمارستان، محله نزدیک اداره آگاهی، جاده توبراریز و ..... پخش گردید.

#### ● پخش پوستر های منصور حکمت در شهر بانه

شنبه شب چهارم خرداد ماه 87 پوستر های هفته منصور حکمت بوسیله فعالین حزب حکمتیست و دوستداران حکمت بطور وسیعی و در صدها نسخه در محله های شهر بانه از جمله عثمان آباد، شهرک نور، محله بانه کهنه، پانزده خرداد، میدان جهاد سازندگی، محله بیمارستان و ... پخش گردید.

**اساس سوسیالیسم انسان است**

## موقعیت امروز و آینده کومه له

## پوپولیسیم و ناسیونالیسم "چپ" کجا ایستاده است

(مصاحبه با رحمان حسین زاده)

رحمان حسین زاده : موقعیت امروز و آینده کومه له در چند ماهه اخیر مورد بحث و جدال و حتی کشمکش سیاسی فراوان بوده است. قطب بندی جدید علنی و آشکار در صفوف کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) بوجود آمده است. در میان سه شاخه سازمان زحمتکشان که خود را به کومه له منتسب میکنند، کشمکش فیزیکی و نظامی به اقتضای سیاسی تبدیل شد. روزنامه ها و سایتها و فعالین سیاسی از راست و چپ به این موضوعات پرداخته اند. تحولات تحت نام "کومه له" در میان کارگران و مردم کردستان بازتاب دارد. بخشی از کارگران و مردم زحمتکش و خواستار آزادی و رهایی، که هنوز تصویر گذشته چپ و کمونیستی را از کومه له دارند، به نظر میرسند در نتیجه این تحولات و ادعاها و کشمکشهای درونی سه جریان موسوم به کومه له و گروهبندیهای دیگری تحت همین نام دچار سردرگمی شده اند. بار دیگر پرسیده میشود، چرا کومه له به اینجا رسید؟ علت سیاسی انشعابات و جداییهای درون کومه له کدامند؟ مؤلفه های موقعیت امروز و آینده این جریان چیست؟ ابعاد سهم خواهی ناسیونالیسم کرد در این تحولات به چه میزان بوده و هنوز چه هدفی را تعقیب میکند؟ سیاست کمونیستی در برخورد به کومه له و به این مناسبت خطاب به کارگران و کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان کدام است؟ اینها و بعضی موضوعات دیگر مجدداً نیاز به بررسی و نقد

و ارائه راه حل کمونیستی داشت. با توجه به این نیازها ما

تصمیم به برگزاری این سمینار گرفتیم.

در این سمینار ابتدا فاتح شیخ روند تحولات سیاسی در منطقه و ایران و کردستان و تاثیرات این روندها را بر احزاب برشمردند. سپس تاثیرات این تحولات بر شاخه های مختلف موسوم به کومه له و سیاست کمونیستی در قبال هر کدام و مشخصاً کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) را ارائه کردند.

من نیز در بخش دوم بحث به طور فشرده به علت سهم خواهی ناسیونالیسم کرد و نقش آن در تحولات و سرنوشت کومه له در مقاطع مختلف، از مقطع تاسیس آن تا به امروز پرداختم. به طور فشرده مواضع و سیاستهای این جریان را در دو دهه اخیر در جنبشهای سیاسی و اجتماعی جامعه کردستان برشمردم. سعی من بر این بود که ابرکتیو و غیر قابل انکار نشان دهم در غیاب کمونیسم کارگری و افق و سیاست مارکسیستی چگونه کومه له ای که در دهه هشتاد میلادی در کردستان ایران به عنوان کمونیسم متشکل عروج کرد، از دهه نود به بعد به طرف ناسیونالیسم چرخید و نهایتاً به ناسیونالیسم کرد تمکین کرده و در بستر جنبش ملی و ناسیونالیستی حداکثر میخواد نقش جناح "چپ" این جنبش را ایفا کند.

امیدوارم به زودی مباحث این سمینار قابل دسترس شود. طبعاً در مصاحبه مورد نظر شما میتوانم در چارچوب بحثی که خودم ارائه کردم، جوابگوی پرسشها باشم.

اکتبر: مصاحبه را با این سؤال و یا سئوالات ادامه میدهم که شما اشاره میکنید که کومه له به طرف ناسیونالیسم چرخید و به آن تمکین کرده است. حتی این سازمان را در بستر جنبش ناسیونالیستی کرد معرفی میکنید، اما کومه له خود را سازمانی کمونیستی معرفی میکند و از طریق نشریات و مدیای وابسته بخود از سازماندهی و به سرانجام رساندن انقلاب کارگری و برقراری حکومت کارگری و جامعه سوسیالیستی و ... سخن میگویند. آیا این ادعای شما یک ادعای متناقض نیست؟ زمینه ها و دلایل سیاسی و اجتماعی قرار گرفتن کومه له را در جنبش ناسیونالیستی کرد چگونه توضیح میدهید؟

رحمان حسین زاده : این تناقض وجود دارد، اما این تناقض ادعای من نیست، تناقض ادعای کومه له و سیاست و پراتیک ناظر بر این جریان است. کومه له خود را کمونیست معرفی میکند، اما درست همانند بخش اعظم احزاب و جریانات پوپولیسیم و چپ ناسیونالیست در قرن بیستم و تاکنون، کمونیسمی که اکنون بر کومه له ناظر است، کمونیسم ملی است. کمونیسمی که برای پیشبرد امر جنبش ملی لباس مارکسیسم را برتن کرده است. در طول تاریخ کمونیستهای ملی را متعدد تجربه کرده ایم. کمونیسم روسی، کمونیسم چینی و مانوئی، کمونیسم آلبانیایی، کمونیسم جهان سومی ضد امپریالیست و پوپولیسیم ایران در مقطع انقلاب 57، کمونیسم کومه له ره نرده ران کردستان عراق، نمونه های جهانی و منطقه ای و محلی هستند که چپ و کمونیسم ملی را نمایندگی میکردند. تقریباً همه آنها نهایتاً در بستر اصلی خود یعنی ناسیونالیسم ادغام شدند. اگر چه

در شرایط جهانی و منطقه ای امروز و نیمه دوم قرن بیستم و طبعاً در مختصات کمونیسم ملی آن دوران و این دوره تفاوتها بسیاری وجود دارد و نمیخواهم یک به یک مقایسه کنم، اما وجه مشترک آنها چه آن دوران و چه این دوره در اینست که هیچکدام، هیچوقت کمونیسم را به عنوان اعتراض ضد سرمایه کارگر و برای لغو کار مزدی و پایان استثمار انسان به دست انسان نمایندگی نکردند. همه برای پیشبرد امر ملی به مارکسیسم آویزان شدند. کومه له فعلی از معدود جریاناتی به دلایلی که بعد به آن میپردازم هنوز برای اینکه نشان دهد، جناح "رادیکال و چپ و خوب" جنبش ملی است خود را کمونیست معرفی میکند. این موقعیت دوگانه و متناقض کومه له و اینکه ناسیونالیسم و کمونیسم هر دو در سرنوشت کومه له نقش ایفا کرده و سهم دارند، ابدا بدون سابقه و پیشینه و زمینه نبوده و نیست. اینجا به بخش دوم سؤال میرویم و اگر اجازه بدهید برای یک بار دیگر به سابقه تاریخی و سیاسی مسئله بپردازیم، چون برای نتیجه گیری موقعیت امروز و آینده کومه له نگاهی به این گذشته ضروری است.

پیدایش کومه له از دو فاکتور جهانی و محلی پوپولیسیتی و ناسیونالیستی مایه گرفته است. کومه له در شرایطی در سال 1348 یعنی اوایل دهه 60 میلادی در کردستان ایران تاسیس میشود، که به دنبال اصلاحات ارضی در ایران و گسترش مناسبات سرمایه داری، روابط و مناسبات اجتماعی و سیاسی گذشته متحول میشود. جامعه کردستان به نیروی چپ احتیاج پیدا میکند. بخش مهمی از الیت روشنفکری و تحصیلکردگان و دانشجویان آن مقطع جامعه کردستان با درک این نیاز و با

→ درک و آگاهی آن زمان خود از کمونیسم به ایجاد سازمان چپ و مارکسیستی همت می‌گمارند. این حرکت مستقیماً از فضای اعتراض جامعه کردستان الهام می‌گیرد. در آن مقطع جنبش ملی کرد بعد از اتفاقات موسوم به جمهوری مهاباد هنوز بر فضای سیاسی جامعه سنگینی دارد. با تأثیر از این روند ناسیونالیسم چپ در کردستان که قالب حزب سنتی ناسیونالیسم کرد، یعنی حزب دمکرات را برای خود قالب مناسبی نمیداند، عملاً در حرکت ایجاد کومه له نقش اساسی ایفا میکند. مسئله اینست این حرکت با اعتبار و روند حرکت یکی از قطب‌های به اصطلاح جهانی کمونیسم ملی هم خوانایی پیدا میکند. کمونیسم مائوئی و چینی در تقابل با کمونیسم روسی الهام بخش بسیاری از تحركات و حرکت‌های ملی گرایانه و ناسیونالیستی و چپ گرایانه در سطح جهانی میشود. ایجاد کومه له با روند جهانی مائوئیسم خود را منطبق میکند. در نتیجه این دو فاکتور از همان ابتدا ناسیونالیسم و چپ گرایی هر دو در ایجاد کومه له نقش و سهم ایفا میکنند. هر دو در مقطع انقلاب 57 ایران در هدایت و بزرگ کردن و اجتماعی کردن کومه له نقش بازی میکنند. اما انقلاب 57 و نیازهای واقعی و عینی مبارزه اجتماعی یک جامعه سرمایه داری، پایه های کمونیسم‌های بورژوازی و از جمله مائوئیسم و ناسیونالیسم چپ را در سراسر ایران زیر سؤال میبرد. همین واقعه ضرورت به میدان آمدن مارکسیسم انقلابی را در جامعه ایران برجسته میکند. در جواب به این نیاز اتحاد مبارزان کمونیست و مارکسیسم انقلابی عروج میکند و به سرعت فضای چپ ایران را قطبی و تحت تأثیر خود قرار میدهد. در خود جامعه

کردستان فضای انقلابی و رایکال مبارزات اجتماعی و واقعیات روزمره مبارزه طبقاتی و ضدیت ناسیونالیسم کرد با اهداف و مطالبات کارگران، زنان، جوانان، دهقانان فقیر و مردم زحمتکش و تحت ستم، بیش از پیش نیاز به عروج کمونیسم و رادیکالیسم مارکسی و منفک شده از افق و تصویر و سیاست ناسیونالیستی را برجسته میکند. کومه له تنها سازمان چپ موجود وصل شده به محیط سیاسی جامعه کردستان به سرعت از این روند تأثیر می‌گیرد. سربلند کردن خط مارکسیسم انقلابی در دوران رهبری کومه له از این ضرورت مایه می‌گیرد. بر این اساس اولین انتخاب سیاسی مهم در مقابل کل کومه له قرار داده میشود. مارکسیسم انقلابی سربلند کرده در رهبری کومه له در تقابل با خط مشی سنتی پوپولیستی و ناسیونالیستی تا آن زمان در فروردین 1360 در کنگره دوم کومه له در حرکتی بالنده انتخاب مارکسیسم انقلابی را در مقابل کومه له قرار میدهد. خوشبختانه این کنگره با اعلام قبول خط مشی مارکسیسم انقلابی اتحاد مبارزان کمونیست به روند به چپ چرخیدن کل کومه له و انتخاب کمونیسم مارکسی شتاب جدی میدهد. این روند به تصویب برنامه کمونیستی و ایجاد حزب کمونیست ایران در سال 1362 منجر میشود. از مقطع کنگره دوم کومه له و بویژه بعد از ایجاد حزب کمونیست ایران تا مقطع کنگره ششم کومه له با تأثیر از این روند قدم به قدم و در جدال بی وقفه با ناسیونالیسم و تصویر و سنت‌های کارش، افق و تصویر و سیاست و پراتیک کومه له مسیر کمونیستی روشن پیدا میکند. ناسیونالیسم و پوپولیسم در کومه له میماند اما حاشیه ای و بدون ادعا میشود.

در دوره بعد از کنگره ششم کومه له دوره جدیدی در حیات سیاسی کومه له شروع میشود. ختم جنگ ایران و عراق اعلام میشود. فعالیت نظامی و بخش علنی کومه له با محدودیتها و با مخاطرات جدی روبرو میشود. در مقابل این وضعیت جدید علاوه بر خط مشی کمونیستی رهبری وقت حزب کمونیست ایران، بعد از سالها گوشه نشینی ناسیونالیسم کرد موجود در کومه له و در سطح رهبریش به تحرک در میاید. سیاست و خط مشی سنتی جنبش ملی کرد که زیستن در شکافهای دولتها و قدرتهای منطقه است را جلو میکشد. همین ماجرا بعد از سالها تقابل کمونیسم و ناسیونالیسم را در کومه له دوباره احیا میکند. یک بار دیگر انتخاب سیاسی در مقابل کومه له قرار می‌گیرد. اکثریت رهبری و کادرها و اعضای مستقیماً دخیل تشکیلات علنی با حمایت از سیاست کمونیسم کارگری و منصور حکمت موجبات شکست خط مشی ناسیونالیستی رهبری وقت و کنونی کومه له را در پلنوم شانزدهم آن حزب فراهم میکنند. (همین جا علاقمندان به شناخت بیشتر از این تحولات را به مطالعه رساله دورنمای فعالیت حزب در کردستان، نوشته منصور حکمت در سایت حکمت فرامیخوانم). برای مدتی دوباره ناسیونالیسم موقعیت حاشیه ای را تحمل میکند. اما دیری نپایید بعد از تحولات منطقه و قدرت گیری و اعلام حاکمیت ناسیونالیسم کرد در مارس 1991 در کردستان عراق، ناسیونالیسم کرد موجود در کومه له با اتکا به قدرت جنبش خودش، یعنی جنبش ناسیونالیستی دوباره به تحرک در آمد و در مقابل تحلیل و سیاست و دورنمای کار کمونیستی کومه له قرار می‌گیرد. این بار انتخاب دیگری

در مقابل صفوف کومه له قرار گرفت و همانطور که خیلی ها میدانند. بار دیگر اکثریت قاطع رهبری، کادرها و اعضای کومه له با قبول کمونیسم کارگری و سیاستهای آن به همراه منصور حکمت در سال 1370 (1991 میلادی) همزیستی با ناسیونالیسم را پایان دادند. صف خود را از ناسیونالیسم و سیاست و پراتیک ناسیونالیستی جدا کردند و در حزب کمونیست کارگری متشکل شدند. می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که ناسیونالیسم همیشه از بدو پیدایش و در مراحل مختلف یک نیروی فعال و صاحب سهم در حیات سیاسی کومه له بوده است. کومه له در بطن خود و در بطن پیشبرد مبارزه در جامعه کردستان که دارای یک جنبش قوی ملی است، ناسیونالیسم را با خود حمل کرده است. در نتیجه در تجربه کومه له چرخش و بازگشت به ناسیونالیسم زمینه قوی و تاریخی دارد. بی مناسبت نیست در سال 1370 رهبری کنونی کومه له به جای انتخاب چپ و کمونیسم الهام بخش تا آن زمان کومه له به رهبری منصور حکمت، بر عکس خط مشی ناسیونالیستی و پوپولیستی را به رهبری عبدالله مهدی انتخاب کرد. این سرآغاز چرخش بنیادی بود، که نه تنها سازمان ناسیونالیست افراطی، فدرالیست مهدی، ایلخانی را از خود بیرون داد. بلکه سرنوشت امروز کومه له را هم رقم زد. کومه له کنونی علیرغم ظاهر چپ و ادعای کمونیستی به طور عینی به عنوان شاخه معتدلتر ناسیونالیسم در جنبش ملی هضم شده است. با اندکی دقت متوجه میشوید که کومه له کنونی اساساً به جنبش ملی وصل است. نیازها و ملزومات این جنبش را در جزئیات منعکس میکند. ص ۸

## بهرام رحمانی و داستان حفره های آذرینی در کومه له رضا دانش

ایرج آذرینی درمطلب "روزگارسپری شده چپ کاغذی" با دفاع آشکار از مطلب "وضعیت فعلی و گام های ضروری" نقش خود را در این حرکت پلیسی و پرونده سازی علیه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب اثبات کرد.

در روزهای اخیر بهرام رحمانی از رهبران کومه له و حزب کمونیست ایران درمطلبی با کلی گویی و تناقض تلاش کرده است نقش کومه له را در این آبروریزی لاپوشانی کند. بهرام رحمانی در ابتدا با تاکید بر عدم اعتبار مطالب و مقالات بدون امضا و گلابه از نویسنده و بلاگ تریبون مارکسیسم از رعایت نکردن موازین امنیتی و به خطر انداختن موقعیت امنیتی دانشجویان و دعوت آنان به رعایت نکات فوق بطور غیرمستقیم این مسئله را محکوم می کند و مینویسد:

"بر این اساس، به خطر انداختن موقعیت امنیتی توسط هرکس و هر جریانی محکوم است" در حالی که بطور مشخص بحث بر سر همسویی و قرار گرفتن نویسنده و بلاگ مزبور در کنار بازجویان وزارت اطلاعات است و نیازمند موضع گیری صریح و محکوم نمودن این اقدام نابخردانه است، اما بهرام

رحمانی و یارانش استاد طفره رفتن و اتخاذ مواضع

غیررادیکال و نامشخص هستند. او همچنین مینویسد "جایگاهی به حزب حکمتیست هاونقش آن در جنبش دانشجویی داده شده که با قد و قامت این حزب خوانایی ندارد"

ناراحتی و انتقاد بهرام رحمانی از نویسنده و بلاگ مزبور نه بخاطر همکاری غیرمستقیم با دستگاههای امنیتی و پرونده سازی برای شریف ترین آزادیخواهان جنبش دانشجویی بلکه جایگاه حکمتیست ها در جنبش دانشجویی از منظر نویسنده است که باعث برآشفته شدن او شده است چه بسا اگر نویسنده نام حزب بهرام رحمانی را می آورد کل قضیه فرق میکرد و دیگر نیازی نبود ایشان با متروخط کش قد و قامت مارا اندازه بگیرد که آیا شایسته این جایگاه از نظری هستیم یا نه؟ جالب اینجاست که بهرام رحمانی همان تئوری رهبران کومه له و آذرینی را قورت داده و در مخمصه بدی گیر کرده است نمیداند محکوم کند، یابه ما حمله کند، این عضو رهبری جدید کومه له و حزب کمونیست ایران در موقعیتی بدی گرفتار شده است و ادامه میدهد که:

"اما واقعیت این است که حکمتیستها در جنبش دانشجویی خرابکاری کرده اند، افتضاح سیاسی به بار آورده اند و به

منجلاب سیاسی سقوط کرده اند... این افتضاح سیاسی به حدی آشکار است که به هیچ وجه قابل پرده پوشی نیست"

روشن است منبع مورد استناد بهرام رحمانی بازجویان وزارت اطلاعات و قوه قضاییه رژیم است که با شکنجه های طاقت فرسا و ضدانسانی قصد داشتند دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را مجبور به قبول این اتهامات کنند و بهرام رحمانی بدلیل دشمنی کوربا خط منصور حکمت و حزب حکمتیست در نهایت سادگی و بدون تفکرو تامل در مقام اثبات اتهام و ابستگی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب به احزاب غیرقانونی و مشخصا "حکمتیستها" برآمده است و در این میان آنچه برای خط ایرج آذرینی و بهرام مهم نیست مقالات و نوشته های فعالین تشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب است که بارها در نوشته ها و مصاحبه هایشان این اتهام را رد کرده اند.

در منطق رحمانی نقد سیاستهای ناسیونالیستی کومه له هم آوازشدن با دوستان رنجیده اشان در سازمان زحمتکشان است، ناسیونالیستهای مخالفی که کومه له چند هفته قبل با شرکت در میزگرد مشترک با همین احزاب ناسیونالیستی مثل خه بات، زحمتکشان، دمکرات و... میخواست با آنان جبهه تشکیل دهد. انتقادات رحمان حسین زاده از اپورتونیسم و اقدامات

غیرمسئولانه کومه له در این قضیه راه انداختن جارجونجال برای سرپوش گذاشتن بر خرابکاری حکمتیست ها (اتهام تکراری وزارت اطلاعات) در جنبش دانشجویی نامیده میشود!!!!

بهرام رحمانی می نویسد "اولا همان طور که در بالا نیز تاکید شد نباید کاری کرد که به ضرر زندانی سیاسی و فرد تحت تعقیب تمام شود. چنین کاری شدیداً محکوم است."

کاری که نویسنده و بلاگ تریبون مارکسیسم کرده است و مورد تایید ضمنی بهرام قرار گرفته است!

ادامه میدهد که:

"از سوی دیگر چه اشکالی دارد که یک فعال سیاسی در یک جنبشی به فکر سیاست های حزبی خودش هم باشد."

وابستگی تشکیلاتی فعالین دانشجویی به احزاب و جریانات سیاسی اپوزیسیون فاقد اشکال است البته اگر این تشکیلات حزب مورد نظر رحمانی باشد، مهم صدور تاییدیه از جانب ایشان و حزب متبوع ایشان است.

و بالاخره مخمصه و گرفتاری اصلی بهرام رحمانی اینجاست که سرپا نمایان میشود. بهرام رحمانی و کسان دیگری که در درون کومه له که با او هم نظر هستند باید تکلیف خودشان را روشن کنند یک بام و دو هوا بی دیگریس است. بیدار شوید



به گارد آزادی پیوندید! واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید!



وببینید در سازمانتان چه میگذرد. بهرام رحمانی میگوید:

"رحمان حسین زاده، کومه له و حزب کمونیست ایران را متهم به این می کند که تحت تاثیر سیاست ها و تئوری های ایرج آذرین و رضا مقدم قرار دارند. این ادعای رحمان حسین زاده به حدی مضحک و غیرواقعی است که نیازی به هیچ استدلال ندارد."

لابد برای جناب رحمانی که به این یک بام و دو هوایی عادت دارند نیازی به استدلال نیست. لطفا بروید و نوشته "لنا" در

سایت کومه له را مطالعه بفرمایید و کمی چشمانتان را باز کنید. اگر این تاثیرات را تا مخ استخوان در رهبری کومه له پیدا کردید، چکار میکنید و یا دوستان هم عقیده شما که این تاثیرات را نمی بینند و یا می بینند و آنرا زیرفرش میکنند چه میکنید. ما میدانیم شماها به این عادت دارید. میگویید نه؟، همین نوشته شما یکی از دلایل غیرقابل انکار از هم جہتی و تحت تاثیر قرار گرفتن سیاست ها و تئوریهای ایرج آذرین است کافی است یکبار دیگر مطلب "روزگار سپری شده چپ کاغذی

هیستریک قرار میگیرند؟ این چنین به هیجان آمدن و صحبت از تاثیرات رهبری نامریی و اینترنتی دردانشگاههای ایران تنها میتواند برخاسته از ذهنیت بیمارگونه افرادی باشد که چشم بر حقایق موجود در جامعه بسته اند و در عالم خواب و خیال انقلاب سوسیالیستی را سازمان میدهند، تشکل دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب با تکیه بر سالها تلاش و کوشش خستگی ناپذیر دردانشگاهها و ایستادگی و مقاومت و تحمل زندان و شکنجه به این جایگاه دست یافته است و محصول کار در دنیای واقعی است. به این دنیا خوش آمدید!

## اسلام سیاسی و خشونت

هیوا ناصری

... بلکه تمایل شدیدی به استفاده از همه امکاناتی چون قانون، قلم، چاقو و ... برای حذف مخالفان خود دارد. این اقدامات و این روشها، از یک جهان بینی مذهبی، یک فلسفه سیاسی مخصوص و یک طرز تلقی خاص از قدرت ناشی می شود. جمهوری اسلامی قبل از هر چیز، یعنی نظم و میل به کسب قدرت و تلاش برای نگهداری آن، تحمل نکردن هر گونه مخالفت و هرگونه اعتراض، بیماری علاج ناپذیر نسبت به هر چه حکایت از آزاد اندیشی و برابری طلبی و انسانیت کند. این طرز تلقی، شیفتگان آن را و می دارد که از روشهایی استفاده کنند که استفاده از آنها برای هر رژیم دیگری غیر قابل تصور است. این نوع خشونت لجام گسیخته از ابتدای پا گرفتن اسلام سیاسی در ایران و

منطقه چون داعی ننگین بر سیمای کریه جمهوری اسلامی نقش بسته و با عقب نشینی و شکستهای مقطعی سرمایه انحصاری، ریشه های عمیقی یافته است. ریشه های این خشونت را از همان ابتدا به روشنی می توان در گروههای چماق به دست حزب ا. دید. ریشه های این خشونت را باید در نحوه تشکیل و ترکیب شورای انقلاب دید، باید در افکار و اعمال منزله طلبانی جستجو کرد که در دهه 60 بی محابا و در کمال درندگی، انسانهایی را که مثل آنها نمی اندیشیدند عمل نمی کردند، به بالای دار می فرستادند. ریشه های این بی گذشتی و خشونت را باید در فلسفه سرمایه داری نویسنندگان قانون اساسی و قانون جزاء اسلامی پیدا کرد که برای حفظ نظم بورژوازی، در هم شکستن هرگونه مخالفتی را تنها راه حل ممکن می دانستند. ریشه های این خشونت فزاینده را باید در مخالفت غیر شرافتمندانه

کسانی پیدا کرد که اوایل دهه 60 در همراهی با بورژوازی لیبرال و اسلام سیاسی برای به دام انداختن نیروهای مخالف و مترقی، کوچه ها و خیابانهای تهران را پر سه می زدند و از هر وسیله غیر انسانی استفاده می کردند، یا در کار دادگاههای انقلابی می بایست جستجو کرد که با برگزاری محاکماتی که بیشتر به کاریکاتوری از دادرسی شباهت داشتند، تا رسیدگی قضایی، فعالین جنبش های مترقی کارگران و دانشجویان و زنان را به حبس های طولانی مدت محکوم کرده و می کنند، ریشه های این توحش را باید در روزنامه ها و رادیو و تلوزیون، حراست و حفاظت و سازمانها و نهادهای دولتی و تمام مناسبات و روابط تابع بازار و سرمایه جستجو کرد که در تمام سه دهه گذشته برای احیای ظواهر مذهبی که سنگ بنای اسلام سیاسی است، تکیه کردند و با پشتوانه اخراج و سرکوب و بگیر و ببند

... اولویتها و مشغله ها و پراتیک و آرایش خود را در انطباق با نیازهای آن سازمان میدهد به خاطر مصلحت و نیازهای این جنبش میتواند 20 سال تمام در شکافهای منطقه و احزاب و دولتها زندگی کند. دوستی و نزدیکی با سازمانها و احزاب راست در منطقه را تحت نام دیپلماسی و تنظیم رابطه ادامه دهد. اما در خدمت همان نزدیکی با راستها، دوری کردن و بعضا خصومت با کمونیستها و سازمانها و نهادهای رادیکال اجتماعی در کردستان عراق و ایران را توجیه کند. بر اساس مصلحت های ناسیونالیستی در مورد حقایق زیادی در جامعه سکوت کند. خود را کمونیست میدانند اما علیه خرافه مذهب و ناسیونالیسم و فرهنگ عقب مانده سکوت میکند. براین مبنا در این دو دهه به کارگاه پرورش ناسیونالیسم تبدیل شده و انواع گروه بندیهای ناسیونالیستی را از خود بیرون میدهد. در جنبش اجتماعی کارگران و زنان به دنباله رو عقب مانده ترین گرایشات تبدیل شده است. همه اینها انطباق کاملی با کاراکتر یک جریان ناسیونالیست چپ و افق کمونیسم ملی دارند که اکنون بر سیاست و رهبری کومه له ناظر است. بر این اساس چرخش سیاسی و پراتیکی که کومه له کنونی در دو دهه گذشته از سر گذرانده است، پراتیک و مناسبات این جریان را با جامعه و جنبش های اجتماعی جامعه به نسبت دوره فعالیت رادیکال و گذشته انقلابی این جریان تغییر داده است. من در سمینار اخیر به این موضوعات پرداختم. در بخش دوم این مصاحبه برای شماره آینده نشریه اکتبر به طور کنکرت به سیاست انتظار و زیستن در شکافهای منطقه ای و به مناسبات سیاسی و به اصطلاح دیپلماتیک این جریان در منطقه با راست و چپ جامعه، به کرنشهای آشکار کومه له در مقابل ناسیونالیسم کرد، به رابطه آن با مسئله کارگر، زن، جوان و حقوق مردم و مذهب و مناسبات آن با چپ سنتی ایران و بعضی رویدادهای اجتماعی دیگر میپردازم.

### یادداشت سردبیر

...طشنت آرا و اختلاف در بین فعالین کارگری و سوسیالیست سبب شده است عده ای فرصت طلب و اپورتونیست با ایده های غیرانقلابی و تسلیم طلبانه در نقش دلسوزان انقلاب و با ژست نیروهای رادیکال وارد معرکه شده و در صدد سنگ اندازی در راه پیشبرد اعتراضات و مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان برآیند. اینها آگاهانه یا ناآگاهانه با اتهام و افترا به حزب حکمتیست ، جریان سیاسی و رادیکال دخیل در جنبشهای اجتماعی خود را در کنار ماموران امنیتی رژیم و در نقش بازجوهای غیررسمی وزارت اطلاعات قرار میدهند.

اما چرا حزب حکمتیست که به اقرار دوست و دشمن موثرترین نیرو در سازماندهی و رهبری اعتراضات اقشار مختلف جامعه بوده و هست و نقش برجسته ای در این مورد داشته، این چنین بیشرمانه مورد حمله و آماج اتهامات بی اساس و کینه توزانه واقع میشود ؟ آنهم از سوی افراد و جریاناتی که مدتها ست دچار انفعال و سردرگمی شده اند بطوری که کسی آنان را جدی نمیگیرد ، بدون شک یکی از دلایل اصلی این نوع برخوردهای غیرمسئولانه و سکتاریستی با حکمتیستها ناشی از بسط و نفوذ اندیشه حکمت در جامعه و احساس خطرو غافلگیری جریانات بیربط به اجتماع است . رشد حزب حکمتیست در میان جنبشهای اجتماعی و رادیکال جامعه ایران تنها میتواند ناشی از کمونیسم پراتیک حکمت و دخالتگری آن باشد ، جایگاه فعلی حزب حکمتیست ثمره سعی و تلاش خستگی ناپذیر رفقایی است که در راه مبارزه برای آزادی و برابری از جان مایه گذاشته اند و این راه را همچنان با سر بلندی و استوار بودن توجه به موانع و مشکلات ادامه می دهند ، توصیه مایه این جریانات این است که ، دست از حملات کوربه حکمتیستها در دنیای مجازی بردارید چون راه مناسبی برای مطرح شدن در دنیای واقعی و در جامعه نیست این عین اپورتونیسم است ، مطمئن باشید با این روش به جایی نخواهید رسید.

### اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ارومیه، شبستر، میاندوآب

در ارومیه بیش از 90 کوره آجرپزی وجود دارد و کارگران فصلی شاغل در این کوره پزخانه ها بیش از 4000 نفر می باشند که در شبانه روز بیش از 16 ساعت کار میکنند .

در 16 خرداد تعدادی از نمایندگان کارگران کوره های آجرپزی ارومیه جهت افزایش دستمزدها به اداره کار این شهر مراجعه کردند اما قربانی زاده مسئول روابط عمومی این اداره از آنان خواست به سرکارهایشان برگردند در غیر این صورت اخراج خواهند شد! در ادامه اعتراض کارگران ، مسئولین اداره کار با رفع مسئولیت از خودشان اعلام کردند کارگران باید مشکلشان را با کارفرما حل کنند . همچنین اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها در شهرهای شبستر و میاندوآب از 15 خرداد با خواست افزایش دستمزد آغاز شده است و همچنان ادامه دارد . کارگران خواهان افزایش دستمزد از 9500 تومان برای 1000 عدد آجر به 15000 تومان هستند احتمال دارد دامنه اعتصابات به شهرهای مهاباد و بوکان و شهرهای همجوار نیز گسترش یابد .

#### دبیر کمیته کردستان:

اسد گلچینی

agolchini@yahoo.com

\*\*\*

مسئول روابط عمومی  
کمیته کردستان:

اسماعیل ویسی

esmail.waisi@gmail.com

#### برای نجات جان فرهاد متحد شویم

فراخوان دعوت به حمایت از فرهاد حاجی میرزایی

<http://sosfarhad.blogfa.com>

\*\*\*

تلاش برای آزادی روناک صفا زاده و هانا عبدی

<http://soswoman.blogfa.com>

\*\*\*

کمپین برای آزادی فرزاد کمانگر

<http://hra-iran.org/campin/farzad.html>